

مورد بحث قرار نگرفته است. کانه‌تی نویسنده‌ای بزرگ است که نوشته‌هایش نه تنها گوشه‌هایی از روح انسان را نشان می‌دهد، بلکه دلیل بسیاری از تضادهای جوامع امروز را ارائه می‌کند. باید آثار کانه‌تی را خواند.

پانویست‌ها:

* *Elias Canetti*

1. *Dieter Dissinger: Der Roman "Die Blendung". In: Elias Canetti (= Text + Kritik 28). München 1973, S. 30.*
2. *Joachim Schickel: Aspekte der Masse, Elemente der Macht. In: Elias Canetti (= Text + Kritik 28). München 1973, S. 16.*
3. *Wolfgang Hädecke: Das Todesproblem im Werk Elias Canettis. In: Elias Canetti (= Text + Kritik 28). München 1973, S. 28.*
4. *Klaus Völker: Die Dramen von Elias Canetti. In: Elias Canetti (= Text + Kritik 28). München 1973, S. 40.*
5. *Manfred Durzak: Elias Canetti. In: Deutsche Dichter der Gegenwart. Berlin 1973, S. 204.*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نیست که تاریخ مرگ خود را فاش کند یا درباره آن با کسی حرف بزند. در چنین جامعه‌ای نه از زور اثری هست و نه از اعمال غیر انسانی، نه پول قدرت دارد و نه مقام. اما در اینجا سؤال این است: آیا چنین جامعه‌ای خوشبخت هم هست؟ کانه‌تی در برابر این پرسش سکوت می‌کند.

از کانه‌تی دو نمایشنامه دیگر به نام‌های «ازدواج» (۱۹۳۲) و «کم‌دی خودپسندی» (۱۹۵۰) انتشار یافته است که از اعتبار ویژه‌ای برخوردار نیستند. بین این دو اثر «کم‌دی خودپسندی» موضوع جالبی دارد. در اینجا جامعه‌ای نشان داده می‌شود که افراد آن طبق قانون حق استفاده از آینه را ندارند. این امر ابتدا سبب جنون شهروندان و سرانجام طغیان آنان می‌شود. این نمایشنامه را کانه‌تی یک سال پس از روی کار آمدن حکومت نازی‌ها نوشت و آن را ابتدا سال‌ها بعد منتشر کرد.

در آثار کانه‌تی زبان، نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند. به نظر نویسنده زبان، هم واقعیت را ظاهر می‌سازد و هم آن را پنهان می‌کند.^۴ یکی از آثاری که کانه‌تی در آن تأثیر زبان را به گونه‌ای جالب نشان می‌دهد، کتابی است تحت عنوان «صداهایی از مراکش» (۱۹۶۷) که شامل مجموعه‌ای از یادداشت‌های سفر او به این کشور آفریقایی است. در این اثر یادداشتی وجود دارد درباره پیرمرد عربی که زبان نویسنده را نمی‌فهمد و هنگام آشنایی با او تنها نام مخاطبش را تکرار می‌کند: «پیرمرد بالحنی کنجکاوانه و آرام پرسید: ال - یاس - کانه - تی؟ او در ضمن سؤال به من نگاه نمی‌کرد و سرش را به زیر انداخته بود. به نظرم رسید که این اسم برایش واقعی‌تر از خود من است...»

تردید نمی‌توان کرد: زبان در بسیاری از آثار کانه‌تی نه تنها وسیله پیوند نیست، بلکه منحصراً حاوی پدیده‌ای است که فراتر از واقعیت است.^۵

کانه‌تی ابتدا در دهه شصت به شهرت رسید، اما آثار او هنوز هم به گونه‌ای گسترده

این کتاب اگرچه موضوعی جامعه‌شناسانه دارد و نمی‌تواند مورد بحث ما قرار گیرد، اما درونمایه آن محور بسیاری از نوشته‌های کانه‌تی را تشکیل می‌دهد. در اینجا نویسنده پدیده قدرت را بررسی می‌کند و تأثیر توده‌های مردم را در پدید آمدن آن نشان می‌دهد. به اعتقاد کانه‌تی توده‌های انسانی، هم قابل کنترل‌اند و هم غیرقابل کنترل، هم مظلومند و هم ظالم، هم براه‌اند و هم گمراه. نادانی توده‌ها قدرت را پدید می‌آورد و اطاعت کورکورانه آنان سبب دوام آن می‌شود.^۲ به نظر کانه‌تی اعمال قدرت برای رسیدن به پیروزی است، اما جایی که مرگ وجود دارد، چه کسی می‌تواند از پیروزی انسان حرف بزند؟

یکی از موضوعاتی که در آثار کانه‌تی خواننده با آن برخورد می‌کند، مرگ است. کانه‌تی در «گفت‌وگو با مخاطبی مهیب» (۱۹۶۵) می‌نویسد: «یکی از جاذب‌ترین مسائلی که برای من وجود دارد، مرگ است، مرگی که نه می‌توانم آن را بپذیرم و نه می‌توانم آن را نادیده بگیرم.» به اعتقاد کانه‌تی مرگ و قدرت دو پدیده گوناگون نیستند و غالباً با هم و یا در پی هم ظاهر می‌شوند. او در این مورد به جنگ اشاره می‌کند که معمولاً بهانه‌ای برای اعمال زور است و زور وسیله‌ای برای نابود کردن. نظر کانه‌تی درباره مرگ شباهت زیادی به نظر کامو دارد. اما برخلاف کامو که زندگی را پدیده‌ای پوچ می‌داند، کانه‌تی اعتقاد دارد که اگر این عقیده درست هم باشد، پذیرفتن آن از سوی مردم، بسیار خطرناک است و آنان را به اعمال زور وادار می‌کند. - و این، پایان جهان است.^۳

در بین نوشته‌های کانه‌تی نه تنها مرگ موضوع پاره‌ای از آثار فلسفی و جامعه‌شناسانه او را تشکیل می‌دهد، بلکه در آثار ادبی او نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از این نوشته‌ها نمایشنامه «مهلت» (۱۹۵۲) است. در این نمایشنامه کانه‌تی جامعه‌ای را نشان می‌دهد که افراد آن تاریخ مرگ خود را دقیقاً می‌دانند. در این جامعه هیچ انسانی حق ندارد که زودتر از موعد قانونی بمیرد یا به قتل برسد؛ هیچ کس مجاز

سرانجام کین موفق می‌شود که ترزه را از خانه بیرون کند و دوباره به کتابخانه مورد علاقه‌اش بازگردد. اما دیگر دیر است و جنونی ناگهانی به سراغ او می‌آید. دکتر کین کتابخانه‌اش را آتش می‌زند و هنگامی که شعله‌ها زیانه می‌کشند، از نردبانی بالا می‌رود تا سوختن آن را بهتر نظاره کند.

رمان کانه‌تی سرگذشت زنی بدنهاد است که از ناآگاهی همسرش سوء استفاده می‌کند و او را به ورطه نابودی می‌کشد. این زن کیست و چرا به چیزی جز به اعمال قدرت نمی‌اندیشد؟

اگر به تاریخ نگارش اثر نگاه کنیم و جامعه آن روز آلمان را به یاد آوریم، پاسخ دادن به پرسش بالا چندان دشوار نیست: ترزه نمادی است برای قدرت، برای قدرتی که در ابتدا با فریب همراه است و سپس با خشونت. این زن مظهر قدرتی شیطانی است که در دهه سوم قرن بیستم در آلمان پدید آمد، نضج گرفت و سرانجام اروپا را به خاک و خون کشید. ترزه نماد نازی‌هاست.

اگر نظر بالا درست باشد، باید گفت که دکتر کین هم مظهر آن دسته از روشنفکرانی است که در آغاز حکومت هیتلر در برج عاج خود نشسته و از پیرامونشان بی‌خبر بودند. آنها حکم اسب عساری را داشتند که همواره در دایره‌ای تنگ حرکت می‌کردند و نمی‌خواستند واقعیات زمانه خود را دریابند.^۱

کین هنگامی که از خانه رانده می‌شود، با افرادی برخورد می‌کند که بیشتر آنها قصد فریب دادن او را دارند. اینان جزء توده‌های مردمند، مردمی که نه تنها به چیزی جز سود آنی خود نمی‌اندیشند، بلکه هریک از آنان خود را نماینده قدرت و در نتیجه مدافع زور می‌دانند.

از اینجا تا اثر دیگر کانه‌تی به نام «توده و قدرت» (۱۹۶۰) فاصله زیادی نیست.

تنها از راه کتاب می‌شناسد و درک درستی از محیط پیرامونش ندارد. دکتر کین خادمه‌ای به نام ترهزه دارد که زنی فریبکار، بی‌عاطفه و بدسرشت است که سرانجام با نیرنگ دل از چین‌شناس مشهور می‌برد و او را ناگزیر به ازدواج با خود می‌کند. اما دیری نمی‌پاید که ترهزه چهره واقعی خود را نشان می‌دهد و از کین تقاضاهائی می‌کند که اگرچه برآوردن آنها برای دانشمند گوشه‌نشین دشوار است، اما سرانجام آنها را می‌پذیرد. از جمله این تقاضاها یکی هم این است که کین تمام اتاق‌های خانه را در اختیار او گذارد و خودش در کتابخانه به سربرد. اما انتظارات ترهزه به همین جا پایان نمی‌یابد: او از مرد می‌خواهد که وصیت نامه‌ای تنظیم کند و در آن او را تنها وارث خود بنامد. زن هنوز قانع نیست: او در پی یافتن دفترچه حساب پس انداز کین همه‌جا را جست و جو می‌کند و هنگامی که مرد از موضوع باخبر می‌شود و دلیل این کار را می‌پرسد، ترهزه خشمگین می‌شود، او را به باد کتک می‌گیرد و به او دستور می‌دهد که خانه را ترک کند. دکتر کین چاره‌ای جز اطاعت ندارد، اما چگونه می‌تواند از کتابخانه محبوبش دل بکند؟

اکنون زندگی نکبت‌بار مرد آغاز می‌شود: او که تا مدتی پیش در میان کتاب‌های خود زیسته و کمترین اطلاعی از محیط پیرامونش نداشته است، با دنیای بیرحم بیرون آشنا می‌شود و به‌طور کلی درمی‌ماند. شانی و مطالعات فرهنگی

با گذشت زمان وضع روانی مرد بی‌نوا مختل می‌شود و او دائماً کابوس‌های وحشتناک می‌بیند. اما کار به همین جا پایان نمی‌یابد: یک روز کین تصادفاً ترهزه را می‌بیند که قصد دارد کتاب‌های او را بفروشد. برای مرد بیچاره دیدن چنین صحنه‌ای باورنکردنی است، بنابراین تصمیم می‌گیرد که خودش کتاب‌ها را بخرد. اما ترهزه بمحض اینکه اسکناس‌ها را در دست کین می‌بیند، شروع به فحاشی می‌کند و او را دزد می‌خواند. کار به کلانتری می‌کشد، ولی کین همسرش را می‌بخشد و خود را گناهکار می‌داند.

زبان‌ت را می‌بُرم، جرأت نمی‌کنم که زبانم را فرو ببرم. مرد نزدیک‌تر می‌شود، حس می‌کنم که تیغه چاقویش زبانم را لمس می‌کند. اما در آخرین لحظه چاقو را کنار می‌کشد و می‌گوید: «امروز نه، فردا.» چاقو را دوباره می‌بندد و آن را در جیبش می‌گذارد.»

زبان الیاس جوان نه تنها آن روز بریده نشد، بلکه سال‌ها بعد سبب شهرت او گردید و سرانجام جایزه نوبل را نصیبش کرد (۱۹۸۱). اما این مرد که زبان دلنشین او خواننده آثارش را شیفته می‌کند کیست و درباره چه می‌نویسد؟

کانه‌تی در ۲۳ ژوئیه ۱۹۰۵ در شهر کوچک روچوک در بلغارستان زاده شد. خانواده او اصلاً از یهودیان اسپانیایی بودند که در قرن پانزدهم میلادی از اسپانیا رانده شده و به بلغارستان، که در آن زمان تحت سلطه ترکان عثمانی بود، مهاجرت کرده بودند. اما زبان مادری او بلغاری نبود، بلکه در خانواده او همه به زبان اسپانیایی صحبت می‌کردند. الیاس در شش سالگی همراه پدر و مادرش به منچستر (انگلستان) و در هشت سالگی به وین رفت. او دوران دبیرستان را از ۱۹۱۶ تا ۱۹۲۱ در زوریخ (سوئیس) و از ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۴ در فرانکفورت گذراند؛ سپس به وین رفت و در دانشگاه آن در رشته شیمی به تحصیل پرداخت. کانه‌تی به سال ۱۹۲۹ به دریافت درجه دکترا در رشته شیمی توفیق یافت و در ۱۹۳۸ به لندن مهاجرت کرد. او در اینجا به تابعیت انگلیس درآمد و تا پایان عمر (۱۹۸۹) در آنجا زیست. زبانی که کانه‌تی آثارش را در طول عمر خود به آن می‌نوشت نه اسپانیایی و نه انگلیسی، بلکه آلمانی بود، زبانی که او ابتدا در هشت سالگی از مادرش آموخته بود.

نخستین اثری که از کانه‌تی انتشار یافت، رمانی است به نام «اغوا» (۱۹۳۵) که در آن به توصیف زندگی مردی به نام دکتر پتر کین می‌پردازد. کین چینی‌شناس معروفی است که در حصار کتابخانه عظیم خود تنها زندگی می‌کند. او مرد روشنفکری است که جهان را

دکتر تورج رهنما

Unter den zeitgenössischen deutschsprachigen Autoren ist Elias Canetti eine singuläre Erscheinung. Er ist ein Einzelgänger, dessen Absage an jeglichen Literaturbetrieb eine esoterische Aura nach sich zog, die im wesentlichen subjektive Gründe hat. Im folgenden Beitrag wird auf einige seiner bekannteren Werke eingegangen.

مروری کوتاه بر آثار الیاس کانه‌تی*

در ۱۹۷۷ کتابی از کانه‌تی انتشار یافت که نام آن «زبان نجات‌یافته» است و در آن نویسنده، خاطرات کودکی خود را توصیف می‌کند. کتاب چنین آغاز می‌شود:

«اولین خاطره من با رنگ قرمز آمیخته است. روی دست دوشیزه خدمتکار از دری وارد می‌شوم؛ راهرو جلو من به رنگ قرمز است و در طرف چپ پله‌هایی به پایین می‌رود که آن هم همان رنگ را دارد. روبروی ما دری باز می‌شود و مردی لبخندزنان از آن بیرون می‌آید؛ کاملاً به من نزدیک می‌شود، می‌ایستد و می‌گوید: «زبان‌ت را نشان بده.» من زبانم را در می‌آورم و به او نشان می‌دهم. او دستش را به جیبش می‌برد، چاقویی بیرون می‌آورد، آن را باز می‌کند و تیغه‌اش را به طرف زبان من می‌گیرد. مرد می‌گوید: «حالا